



## An Examination of the Representation of Motherhood Roles among Mom and Child Bloggers on Instagram

MohammadJavad Sharifzadeh<sup>1</sup> Hossein Eyvazlou<sup>2</sup> Seyyed Reza Hosseini<sup>3</sup> Javad Kojoori Haraj<sup>\*4</sup>

1. Associate Professor and Faculty Member, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. [Email: sharifzadeh@isu.ac.ir](mailto:sharifzadeh@isu.ac.ir)
2. Associate Professor and Faculty Member, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. [Email: ayvazlou@isu.ac.ir](mailto:ayvazlou@isu.ac.ir)
3. Associate Professor and Faculty Member, Hawza and University Research Institute, Qom, Iran. [Email: srhoseini@rihu.ac.ir](mailto:srhoseini@rihu.ac.ir)
4. PhD Student, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadeq University, Tehran, Iran [Email: kojoori@isu.ac.ir](mailto:kojoori@isu.ac.ir)

### Abstract

Economic poverty is one of the fundamental research topics in Islamic economics. From the perspective of the Islamic economic school, what is important in the comprehensive analysis and explanation of the phenomenon of poverty is to consider the invisible factors that create and eliminate poverty along with other factors. The present study, using an analytical-descriptive method, attempts to provide a more comprehensive view of the phenomenon of poverty and the factors that create and eliminate poverty, while referring to some verses and narrations in the field of poverty. Regarding the quality of discovering and analyzing the relationships between the rules governing the field of economic needs, three main stages are followed: "clarifying the concepts related to divine traditions", "discovering examples of the aforementioned concepts by relying on narrations for a better understanding of them", and "extracting the relationships between divine traditions". According to the research findings, the factors affecting the emergence and elimination of poverty can be understood through understanding the mechanism of receiving sustenance. Accordingly, "predestined sustenance" (including conditional and unconditional types) and "sustenance by grace" determine the quality of poverty or neediness of the individual through factors affecting the soul of the recipient of sustenance.

**Keywords:** Sustenance; Poverty; Islamic economics; Divine traditions; Unobservable factors.

#### Volume info

Vol. 5  
Series: 17  
Spring 2026

#### Article Type

Research Paper

#### Article History

Received:  
15 September 2025

Revised:  
27 October 2025

Accepted:  
16 November 2025

Published:  
21 April 2026

#### ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901  
E-ISSN: 2821-1685



**Cite this Paper:** Sharifzadeh MJ & Eyvazlou H, Hosseini R, Kojoori Haraj J. (2026). An Examination of the Representation of Motherhood Roles among Mom and Child Bloggers on Instagram. *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(17), 61-90



**Publisher:**  
Imam Hossein University.

©  
The Author(s).





## عوامل غیرمشهود در پیدایش و رفع فقر با محوریت طهارت و استعداد نفسانی

محمدجواد شریف‌زاده<sup>۱</sup> | حسین عیوضلو<sup>۲</sup> | سیدرضا حسینی<sup>۳</sup> | جواد کجوری هراج\*<sup>۴</sup>

Email: [sharifzadeh@isu.ac.ir](mailto:sharifzadeh@isu.ac.ir)

Email: [ayvazlou@isu.ac.ir](mailto:ayvazlou@isu.ac.ir)

Email: [srhoseini@rihu.ac.ir](mailto:srhoseini@rihu.ac.ir)

Email: [kojoori@isu.ac.ir](mailto:kojoori@isu.ac.ir)

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

۴. دانشجوی دکتری دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

### چکیده

فقر اقتصادی یکی از موضوعات پژوهشی اساسی در اقتصاد اسلامی است. از منظر مکتب اقتصادی اسلام، آنچه در تحلیل و تبیین جامع از پدیده فقر اهمیت بسزایی دارد، در نظر گرفتن علل غیرمشهود ایجادکننده و رفع‌کننده فقر در کنار سایر عوامل است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی تلاش دارد ضمن اشاره به برخی آیات و روایات در حوزه فقر، نگاه جامع‌تری از پدیده فقر و عوامل موجد و رافع فقر ارائه دهد. در رابطه با کیفیت کشف و تحلیل روابط بین سنن حاکم بر حوزه رفع نیازهای معیشتی، سه مرحله اصلی «ایضاح مفاهیم مربوط به سنت‌های الهی»، «کشف مصادیق مفاهیم مذکور با تکیه بر روایات برای فهم بهتر آن‌ها» و «استخراج روابط میان سنت‌های الهی» طی می‌شود. مطابق یافته‌های پژوهش عوامل مؤثر بر پیدایش و رفع فقر از طریق فهم سازوکار برخورداری از رزق قابل فهم است. بر این اساس، رزق مقدر (شامل اقسام مشروط و غیرمشروط) و رزق تفضلی از طریق عوامل مؤثر بر نفس دریافت‌کننده رزق، کیفیت فقر یا بی‌نیازی فرد را مشخص می‌کنند...

کلیدواژه‌ها: رزق؛ فقر؛ اقتصاد اسلامی؛ سنت‌های الهی؛ عوامل غیرمشهود.

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۷  
بهار ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱  
الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵



استاد: شریف‌زاده، محمدجواد؛ عیوضلو، حسین؛ حسینی، سیدرضا؛ کجوری‌هراج، جواد (۱۴۰۵). عوامل غیرمشهود در پیدایش و رفع فقر با محوریت طهارت و استعداد نفسانی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵(۱۷)؛ ۹۰-۶۱.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)



OPEN ACCESS

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در مکاتب اقتصادی مختلف، مفهوم «فقر» اقتصادی است. مکاتب مختلف ضمن تعریفی که از فقر اقتصادی ارائه می‌دهند، به علل شکل‌گیری این پدیده در سطح فردی و اجتماعی می‌پردازند. از منظر مکتب اقتصادی اسلام، آنچه در تحلیل و تبیین جامع از پدیده فقر اهمیت بسزایی دارد، در نظر گرفتن علل غیرمشهود ایجادکننده و رفع‌کننده فقر در کنار سایر عوامل است. منظور از عوامل غیرمشهود، مجموعه عواملی است که در چارچوب سنن الهی بر زندگی افراد و جوامع اثر می‌گذارد.

هیچ‌کنشی (انسانی و غیرانسانی) در عالم، خارج از دایره سنن الهی رقم نمی‌خورد و هیچ نتیجه‌ای خارج از این چارچوب حاصل نمی‌شود. به بیان دیگر، هیچ امری در عالم اتفاق نمی‌افتد، مگر از طریق سازوکاری که خداوند متعال برای جریان امور در این عالم طراحی کرده است. جریان امور در عالم از طریق اسباب و مسبباتی است که در قالب «اسماء الهی» بیان می‌شود. آیت‌الله محمد شجاعی در اهمیت «اسماء حسنی» الهی در عالم وجود بیان می‌دارد (Shojaei, 2010: 1):

اگر در آیات قرآن، در صراحت‌ها، اشارت‌ها و نکته‌های آن‌ها به دقت و تعمق پردازیم، می‌بینیم خدای متعال در مقام بیان خلق و تدبیر و ابعاد آن و در مقام بیان انحای مختلف افاضات و همچنین در مقام بیان بازگشت وجود، مرگ و بعد از مرگ، حشرونشر، حساب و کتاب و جزا و نظایر این‌ها و خلاصه اینکه در مقام بیان آنچه در نظام وجود می‌گذرد به اسماء حسنی خود اشاره فرموده و هر امری از امور را به خود [و] به اسم خاصی از اسماء خود که مناسب آن امر است نسبت می‌دهد.

مطابق آنچه بیان شد، همه تلاش‌هایی که برای تبیین عوامل ایجادکننده و رفع‌کننده فقر ارائه می‌شود، باید با در نظر گرفتن سنن حاکم بر این عالم صورت پذیرد تا تحلیلی دقیق‌تر و جامع‌تر را ارائه دهد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی از آیات و روایات تلاش دارد ضمن اشاره به برخی منابع قرآنی و روایی در حوزه فقر، نگاه جامع‌تری از پدیده فقر و عوامل موجد و رافع فقر ارائه دهد. در رابطه با کیفیت کشف و تحلیل روابط بین سنن حاکم بر حوزه رفع نیازهای معیشتی، سه مرحله اصلی باید طی شود (Seyyedifard, 2021): (۱) ایضاح مفاهیم مربوط به سنت‌های الهی؛

۲) کشف مصادیق مفاهیم مذکور با تکیه بر روایات برای فهم بهتر آن‌ها و ۳) استخراج روابط میان سنت‌های الهی.

تحلیل عوامل غیرمشهود و سنن الهی در هر حوزه‌ای به دلیل گستره عملکردی اسماء الهی و ربط و نسبت بین آن‌ها و خصوصاً نقش سنت امتحان و ابتلا، کاری بس دشوار است و طبیعتاً نمی‌توان یک تحلیل قطعی از علل فقر یا غنای یک فرد و جامعه ارائه کرد؛ اما می‌توان به کلیدهای اساسی و راهبردهای کلی در این حوزه دست‌یافت و از آنجاکه جریان سنت‌های الهی تبدیل‌ناپذیر است، حتی می‌تواند مبنای عملکرد فردی و سیاست‌گذاری اجتماعی نیز قرار بگیرد. به‌منظور تحلیل عوامل موجب و رافع فقر، علاوه بر واژه «فقر» در روایات، بسیاری از کلیدهای تحلیل فقر ذیل مفهوم «رزق» و سازوکارهای تقسیم رزق بحث می‌شود. در ادامه پس از ارائه معنا و مفهوم «فقر» و «رزق» و ابعاد آن، علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا سنن حاکم بر این حوزه و ربط و نسبت آن‌ها مشخص شود.

## پیشینه و روش پژوهش

در زمینه عوامل مؤثر بر فقر از منظر اسلامی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. در این میان، پژوهش‌هایی که بر عوامل فقر در آیات و روایات تأکید دارند عبارت‌اند از:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

منبع	خلاصه پژوهش
عترت دوست و همکاران (۱۳۹۸)	در مقاله‌ای با عنوان «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام» با روش «تحلیل مضمون» به مطالعه آیات اقتصادی قرآن کریم و نیز روایات مرتبط با موضوع در مجامع حدیثی پرداخته و از ره‌آورد تحلیل مضمونی و ترسیم شبکه مضامین گسترده آن‌ها، عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش فقر در جامعه اسلامی را از منظر قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام تبیین نموده است.
بهرامی شهباد (۱۳۹۳)	در پایان‌نامه‌ای با عنوان «عوامل و پیامدهای فقر و راه‌های مبارزه با آن از نگاه آیات و روایات» با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده است که آیات و روایات فقر را به دودسته فقر اقتصادی و فرهنگی تقسیم می‌کنند و عوامل اصلی اقتصادی فقر در جامعه را تمرکز ثروت در دست عده‌ای و بی‌عدالتی در توزیع ثروت بیان کردند.

عوامل غیرمشهود در پیدایش و رفع فقر با محوریت طهارت و استعداد نفسانی

منبع	خلاصه پژوهش
رشیدی و همکاران (۱۳۹۳)	در مقاله‌ای با عنوان «علل فردی بروز فقر از منظر قرآن و حدیث» با روش توصیفی-تحلیلی علل فردی مؤثر بر بروز فقر در آیات و روایات را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش مقصود از فقر، تنگدستی و ناتوانی در برآوردن نیازهای ضروری زندگی توأم با امنیت و آرامش است.
عبداللهی عابد (۱۳۹۰)	در مقاله‌ای با عنوان «عوامل معنوی فقرزا و فقرزدا از دیدگاه قرآن و حدیث» ضمن در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر فقر در قالب عوامل مادی و معنوی، در صدد دسته‌بندی عوامل معنوی مؤثر بر فقر است. این عوامل معنوی در سه دسته کلی عوامل مرتبط با «رابطه انسان با خدا»، «رابطه انسان با هم‌نوعان» و «رابطه انسان با خود و عملکرد خویش» مورد بحث قرار گرفته است.
عسگری و غفورزاده (۱۳۸۸)	در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام» پدیده «فقر» و اقسام آن را در اسلام بر اساس یک روش تحلیلی-توصیفی و با استمداد از منابع تفسیری و فقهی مورد بررسی قرار داده است و ورود خاصی به عوامل مؤثر بر فقر نداشته است.
سید هادی حسینی (۱۳۸۱)	در کتاب «فقر و توسعه در منابع دینی» بر آن است تا بحث مولفه‌های توسعه انسانی را از جنبه نظری و کاربردی و تأثیری که بر پدیده فقر و نابرابری درآمدی در جامعه دارند، تحلیل کند.
اداره کل سازمان تبلیغات خراسان رضوی (۱۳۸۰)	در کتابی ۴ جلدی با عنوان «پدیده‌شناسی فقر و توسعه»، سعی کرده است تا علل و شاخص‌های فقر را تحلیل کرده، امکان یا عدم امکان توسعه در جوامع سوم را بررسی و راهبردهای توسعه را ارائه دهد.

پژوهش‌های مربوطه اگرچه به ابعادی از عوامل مؤثر بر فقر پرداخته‌اند، اما تحلیل جامعی ناظر به کیفیت اثرگذاری این عوامل بر فقر ارائه نداده و هر کدام از حیثی به برخی مؤلفه‌های مؤثر بر فقر اشاره کرده‌اند؛ به نحوی که در مباحث ارائه شده ممکن است همچنان نسبت بین مقدر بودن رزق و کیفیت توسعه آن مبهم باشد پژوهش حاضر در تلاش است ضمن اشاره به مؤلفه‌های مورد اشاره در آیات و روایات ناظر به پدیده فقر و بی‌نیازی، تحلیلی جامع از چگونگی تأثیر و تأثر این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری و رفع فقر با تأکید بر فهم این عوامل ذیل سازوکار توزیع رزق ارائه دهد.

مراد از تحلیل جامع، نوعی جمع‌بندی و تحلیل یکپارچه با مشخص کردن عوامل محوری و تعیین سازوکارهای مؤثر بر توزیع رزق در آیات و روایات به نحوی است که یک کل نظری دارای سازگاری درونی در این زمینه حاصل شود و نسبت بین رزق مقدر و توسعه رزق مشخص شود. پژوهش حاضر از نظر هدف، ماهیتی بنیادی دارد و از نظر روش اجرا، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع اصلی شامل آیات قرآن کریم، روایات معتبر، تفسیر، و آثار اندیشمندان حوزه اقتصاد اسلامی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها بر مبنای رویکردی مفهومی و در چارچوب سه مرحله‌ی زیر انجام گرفته است:

۱. **ایضاح مفاهیم و مبانی نظری** مرتبط با سنن الهی و مفاهیم فقر و رزق در متون دینی؛
۲. **شناسایی و استخراج مصادیق مرتبط** از آیات و روایات به منظور فهم دقیق‌تر نحوه اثرگذاری این مفاهیم بر پدیده فقر؛
۳. **تبیین روابط میان سنن الهی و عوامل مؤثر بر فقر و بی‌نیازی** از طریق تحلیل تطبیقی و استنتاج مفهومی از داده‌های گردآوری شده.

در این فرآیند، تلاش شده است استنباط‌ها بر پایه انسجام درونی متون دینی و سازگاری مفهومی میان آیات، روایات و مبانی نظری انجام گیرد تا تصویری منسجم از عوامل غیرمشهود مؤثر بر پیدایش و رفع فقر به دست آید. پژوهش حاضر، ضمن تشریح علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فقر سعی دارد عناصر اصلی و قواعد حاکم بر این حوزه را کشف و زمینه بسط نظری مباحث فقر از منظر اسلامی را فراهم سازد.

## مبانی نظری، تعاریف و اصطلاحات

در این پژوهش بر عوامل غیرمشهود مؤثر بر پدیده فقر متمرکز هستیم. از آنجاکه فقر معیشتی به مفهوم رزق و ابعاد و سازوکارهای تقسیم آن در ادبیات اسلامی گره خورده است در این قسمت سه مفهوم «عوامل غیرمشهود»، «فقر» و «رزق» و مبانی نظری آن‌ها تبیین می‌شود تا در ادامه مراد از هر کدام مشخص باشد.

## ۱- عوامل غیرمشهود

تحلیل هر پدیده مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن پدیده است. برخی از عوامل پدیده‌ها و رخدادهای عالم ناشی از کنش‌های انسانی و برخی مستقل از آن است. در تحلیل پدیده‌های ناشی از کنش‌های انسانی باید به دنبال عوامل مؤثر بر کنش‌های انسانی بود. کنش‌های فردی و اجتماعی انسان از ۴ دسته عامل تأثیر می‌پذیرد که همه این عوامل از مجرای اثرگذاری بر «آگاهی» فرد منجر به کنشی خاص می‌شود؛ این عوامل چهارگانه عبارت‌اند از (Seyyedifard, 2023):

۱) عامل درونی معرفتی: الف- وجود آن‌ها وابسته به ذهن انسان است؛ یعنی اگر انسانی وجود نمی‌داشت، این عوامل هم تحقق نمی‌داشتند (درونی بودن)؛ ب- منشأ کنش‌های آگاهانه هستند (معرفتی بودن). معارف آگاهانه ما، اعم از معارف ناظر به ارزش و معارف ناظر به واقع، در این دسته قرار می‌گیرند؛ مثلاً یک فرد در موقع جنگ و برای نجات جان خود، آگاهانه به دشمن حمله کند؛

۲) عامل درونی غیرمعرفتی: الف- وجود آن‌ها وابسته به ذهن انسان است؛ یعنی اگر انسانی وجود نمی‌داشت، این عوامل هم تحقق نمی‌داشتند (درونی بودن)؛ ب- منشأ کنش‌های غیرآگاهانه هستند (معرفتی بودن)؛ مثل پوشیدن لباسی خاص به دلیل برخورداری از فرهنگی خاص (و بدون واقف بودن به این دلیل در هنگام کنش)؛

۳) عامل بیرونی مشهود: الف- وجود آن‌ها وابسته به ذهن انسان نیست، به این معنا که اگر هیچ انسانی وجود نمی‌داشت آن‌ها می‌توانستند وجود داشته باشند (بیرونی بودن)؛ ب- در حیات دنیایی علی‌الاصول با قوای ادراکی طبیعی و حسی مشاهده‌پذیر هستند (مشهود بودن)؛ مثل، کوه و دریا و...؛

۴) عامل بیرونی غیرمشهود: الف- وجود آن‌ها وابسته به ذهن انسان نیست، به این معنا که اگر هیچ انسانی وجود نمی‌داشت آن‌ها می‌توانستند وجود داشته باشند (بیرونی بودن)؛ ب- در حیات دنیایی علی‌الاصول با قوای ادراکی طبیعی و حسی مشاهده‌پذیر نیستند (غیرمشهود بودن)؛ مانند: قوانین و سنن الهی حاکم بر عالم.

در بین این عوامل، دو عنصر نخست مختص کنش‌های انسانی و عوامل دسته سوم و چهارم مستقل از انسان هستند. در بین این عناصر، عنصر دوم مختص کنش اجتماعی انسان بوده و در کنش

فردی متناظر با آن می‌توان به «عادات فردی درونی‌شده» اشاره کرد. براین اساس، پژوهش حاضر بر عوامل غیرمشهود مؤثر بر پدیده «فقر» متمرکز است. به‌طور خلاصه، عوامل غیرمشهود در شکل‌گیری، استمرار و رفع فقر عبارت است از «اصول و قواعد تغییرناپذیر حاکم بر عالم در برخورداری از امکان رفع نیازهای معیشتی» که در دایره سنن الهی و سازوکار عملکردی اسماء الهی قرار دارند و از سوی دیگر هم وابسته به وجود و ذهن انسان نبوده و هم قابل درک با حواس پنج‌گانه نیستند.

## ۲- فقر

از منظر تعاریف متعارف بین‌المللی، فقر به معنای ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای مادی و معیشتی زندگی تعریف می‌شود. به بیان دیگر، افراد فقیر قادر به دسترسی به نیازهای اولیه مانند غذا، سرپناه و پوشاک مناسب نیستند. نهادهایی چون بانک جهانی در جدیدترین بروزرسانی در سال ۲۰۲۵، فقیران شدید (فقر مطلق) را کسانی می‌دانند که درآمد روزانه‌شان پایین‌تر از آستانه فقر بین‌المللی (حدود ۳ دلار آمریکا) باشد (Worldbank, 2025). در مقابل این رویکرد درآمدی، رویکردهای دیگری نیز مطرح است.

«فقر» در تحولات معنایی خود در لغت، به‌عنوان «نداشتن مایحتاج» و کمبودهای مادی خوانده می‌شد؛ سپس مطالعات درآمدی و اجتماعی مفهوم فقر را به صورت صریح‌تری طبقه‌بندی کردند به‌طوری‌که در گام بعد فقر درآمدی به دو قالب فقر مطلق (ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای اساسی) و فقر نسبی (فقدان معیشت قابل مقایسه با استانداردهای رایج جامعه) تفکیک شد؛ تمایزی که از مطالعات کلاسیک و محققانی مانند بوت و راوتتری<sup>۱</sup> تا اتکینسون<sup>۲</sup> دنبال شد (Faizpour & Kosha, 2014: 823-824)؛ پس از آمارتیا سن نگرش را از سطح درآمد به «قابلیت» منتقل کرد و فقر را کمبود توانایی‌ها و فرصت‌های اساسی برای ایفای نقش انسانی و کنترل بر زندگی تعریف نمود (Sen, 1999: 87-90)؛ این دیدگاه مسیر اندازه‌گیری را به سمت فراتر رفتن از صرف درآمد سوق داد و زمینه‌ساز رویکردهای چندبعدی شد؛ در مرحله بعد شاخص‌هایی مانند نمایه فقر چندبعدی (MPI)<sup>۳</sup> فقر را به‌عنوان محرومیت‌های هم‌زمان در ابعاد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی نشان دادند (OPHI, 2020)؛

1. Booth and Rowntree

2. Atkinson

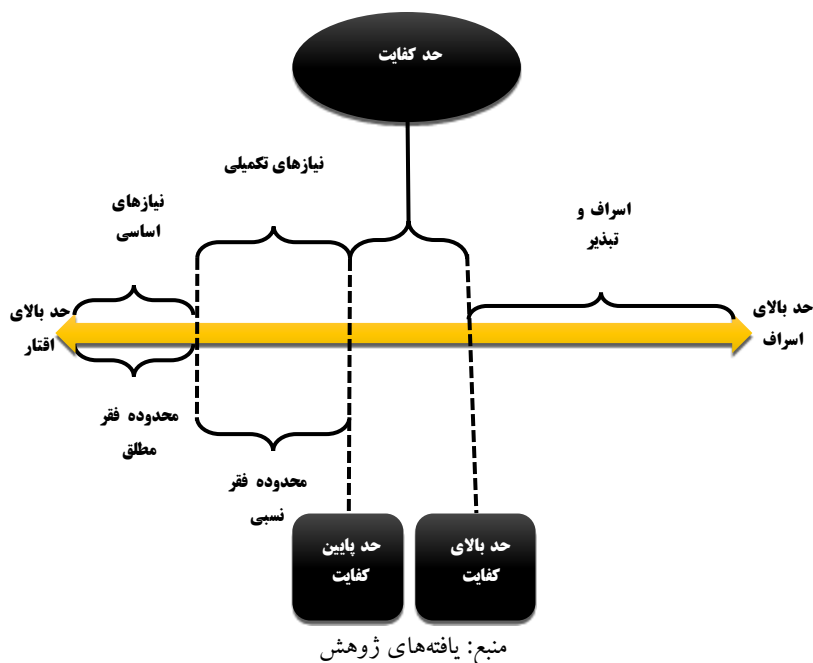
3. Multidimensional Poverty Index

نهایتاً تحلیل‌های ساختاری‌تر مانند مفهوم «تله فقر»<sup>۱</sup> بر نقش قدرت‌نداشتن فقرا و پیوند عوامل درهم‌تنیده اقتصادی، نهادی و اجتماعی در بازتولید فقر تأکید کردند (Chambers, 1983).

ابن فارس (۱۳۹۹ ه.ق) در «مقایس اللغه» در تعریف لغوی «فقر»، اصل و ریشه آن را به هر گونه فاصله و گشایش در شیء برمی‌گرداند و بیان می‌دارد که ستون فقرات نیز به جهت فاصله‌ای که نیشان وجود دارد، «فقاره» نامیده شده است؛ بر همین اساس «فقیر» به کسی اطلاق می‌شود که ستون فقراتش به دلیل خواری و بیچارگی شکسته شده است. ازهری در «تهذیب اللغه» (۱۴۲۱ ه.ق) نیز در معنای فقیر بر شکسته شدن ستون فقرات بر اثر احتیاج اشاره می‌کند. ابوبکر محمد بن الحسن الازدی البصری، معروف به ابن درید در «جمهره اللغه» (۱۹۸۷ م) و ابن منظور در «لسان العرب» (۱۴۱۴ ه.ق) فقر را «ضد بی‌نیازی» معنا می‌کنند.

باتوجه به آنچه ذکر شد، فقر و فقیر در لغت بیانگر نوعی ضعف و نیازمندی است به نحوی که مانند کسی که ستون فقراتش شکسته است، فقیر امکان سر راست کردن و قیام برای رفع نیازش را نداشته باشد. طبیعتاً این معنای از فقر در حوزه اقتصادی و معیشتی چه در سطح فردی و چه اجتماعی به امکان و کیفیت برخورداری از «توان رفع نیاز معیشتی» گره خورده است؛ به بیان دیگر، بی‌نیازی و رفع فقر مانند هر امر دیگری مستلزم وجود مقتضی و رفع مانع است. اگر از مصادیق موانع بگذریم، حداقل مقتضیات بی‌نیازی و رفع فقر عبارت‌اند از: توانمندی «جسمانی»، توانمندی «دانشی و مهارتی» و توانمندی «مالی».

فراتر از معنای لغوی، فقر اقتصادی از نگاه اسلام شامل نیازمندی در سطح «نیازهای اولیه» و «نیازهای تکمیلی» است. در اسلام حد مطلوبی از سطح معیشت وجود دارد که در هر جامعه‌ای به تناسب زمان و مکان متفاوت است و در روایات با عنوان «کفاف»، یعنی به قدری که کفایت نیازهای فرد را بکند، از آن یاد شده است. برخی کفاف را محدود به نیازهای اولیه می‌کنند؛ اما آنچه در مفهوم فقر از آموزه‌های اسلام برمی‌آید، فراتر از نیازهای اولیه است و شامل سطحی از نیازهای رفاهی هم می‌شود؛ لذا در اینجا «حد کفایت» به عنوان سطح مطلوب معیشت و معادل برآورده شدن نیازهای اولیه و تکمیلی فرد در نظر گرفته می‌شود (Sadri, 2014: 407).



به این ترتیب، منظور از فقر، ناتوانی در رفع نیازهای اساسی و تکمیلی است. امروزه ناتوانی در رفع نیازهای اساسی تحت عنوان «فقر مطلق» و فراتر از آن تا سطح استاندارد از زندگی را با «فقر نسبی» مطرح می‌کنند. اسلام فقر را شامل هر دو سطح می‌داند و افرادی که پایین‌تر از محدوده کفایت باشند و امکان رفع نیازهای اساسی و تکمیلی خویش را نداشته باشند، نیازمند و فقیر قلمداد می‌کند تا متناسب با سازوکارهای حمایت اجتماعی، مورد حمایت قرار گیرند. متناسب با این تعریف از فقر و محدوده‌های آن در نگاه اسلامی، مفهوم سختی و وسعت رزق و معیشت معنا پیدا می‌کند که در تحلیل‌های آتی بدان اشاره خواهد شد.

### ۳- رزق

در تحلیل ابعاد و علل و عوامل فقر معیشتی، یکی از مفاهیم اساسی در آیات و روایات، مفهوم «رزق» است. ابن منظور (۱۴۱۴ ه.ق) «الرِّزْقُ» به کسر «ر» را «مَا يُتَنَفَعُ بِهِ»، آنچه از آن نفع برده می‌شود، معنی می‌کند و «الرِّزْقُ» به فتح «ر» را به معنای عطا و بخشش می‌داند. جوهری (۱۴۰۷ ه.ق) «رزق» را در هر دو معنای فوق به کار برده است. راغب اصفهانی (۱۴۰۴ ه.ق) نیز رزق را به معنای

«عطای جاری یا بخشش مستمر» دنیوی یا اخروی بیان می‌کند و معتقد است گاهی به معنای «نصیب و سهم» هم به کار می‌رود.

هادوی و همکاران (۱۳۹۶) به نقل از برخی متکلمان امامیه از جمله شیخ طوسی (۱۴۰۶ ه.ق) و علامه حلی (۱۴۳۰ ه.ق) رزق را به معنای «ما صحَّ الانتفاعُ به و لم یکنْ لأحدٍ منْهُ منه؛ چیزی که از آن بهره برده می‌شود و کسی نمی‌تواند از آن منع کند» بیان کرده‌اند که شامل حلال‌ها و نه حرام‌ها می‌شود.

در مجموع، «رزق» عطا و بخششی از سوی خداست که مورد بهره و انتفاع فرد است، چه دنیوی باشد و چه اخروی و شامل مادیات و خوراکی‌ها و غیر آن نیز می‌شود؛ براین اساس، هر آنچه در اختیار انسان باشد از مال و غیرمال، لزوماً رزق او نیست و آن مقداری از حلال رزق او است که به رفع نیاز او و رشد و کمال او منتهی شود. در خصوص کیفیت و ابعاد و اقسام رزق در مباحث بعدی بیشتر بحث خواهد شد.

## اصول و مبانی مستنبط از آیات و روایات ناظر به فقر

پیش‌ازاین اشاره شد که خداوند متعال، امور عالم را از طریق اسباب و مسببات و ذیل اسماء الهی اداره می‌کند؛ براین اساس، برای تحلیل هر پدیده‌ای در عالم باید آن را در چارچوب عملکردی اسماء الهی به‌عنوان سنن حاکم بر این عالم دید و این همان بُعد نامشهود در تحلیل پدیده‌هاست. با توجه به کثرت ابعاد نامشهود مؤثر بر وقوع یک پدیده، در تحلیل هر پدیده تلاش بر آن است تا با تشکیل دایره‌ای از مفاهیم مرتبط با پدیده مورد نظر، مهم‌ترین سازوکارها و عوامل مؤثر بر پدیده کشف شود.

آنچه از آیات و روایات و به‌طور کلی آموزه‌های اسلامی مشخص است، بحث از فقر و بی‌نیازی به مفهوم «رزق» و سازوکار تخصیص آن در عالم ارتباط پیدا می‌کند؛ بنابراین، همه آنچه حول مسئله فقر و عوامل آن باید مورد بحث قرار گیرد به عوامل مؤثر بر کیفیت برخورداری از «رزق» برمی‌گردد. متناسب با موضوع پژوهش، پدیده فقر مادی و معیشتی در آیات و روایات به مفاهیم مؤلفه‌هایی ارتباط پیدا می‌کند که تمرکز بر فهم این مؤلفه‌ها، کمک شایانی در تحلیل عوامل پیدایش و رفع فقر خواهد کرد. علاوه بر مفهوم «رزق»، برخی از مفاهیم مهم مرتبط با چارچوب

تحلیلی فقر که در کیفیت برخورداری از رزق مؤثرند عبارت‌اند از: مراتب «طهارت»، «اجمال در طلب رزق»، «شکر نعمت» و «فضل الهی». درک این مفاهیم و نقش آن‌ها در بی‌نیازی و فقر معیشتی کلید تحلیل پدیده فقر است. در ادامه و پیش از پرداختن به عوامل مؤثر بر فقر و راه‌های خروج از فقر، به برخی از مبانی اعتقادی که باید مورد توجه قرار گیرند اشاره خواهد شد. پس از ارائه مبانی مربوطه، عوامل و راه‌های پیشگیری و درمان فقر در آیات و روایات مورد اشاره قرار خواهند گرفت و در بخش پایانی تلاش خواهد شد ضمن جمع‌بندی مطالب مربوطه، چارچوب تحلیلی مورد نظر در تحلیل عوامل غیرمشهود (قواعد حاکم بر عالم) ناظر به پدیده فقر ارائه شود.

## ۱- مقدر بودن رزق و اقسام آن

یکی از اصول و مبانی اساسی که آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید دارند، اصل تقدیر و تضمین ارزاق از سوی خداوند متعال است. خداوند متعال در آیات قرآن، ضمن اختصاص مسئله رزاقیت و روزی‌رسانی به خود بر مقدر و مضمون بودن رزق تأکید کرده و به این صورت آرامش خاطر در بندگان ایجاد می‌کند. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

- «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات / ۵۸)؛ قطعاً روزی‌دهنده خلق تنها خداست که صاحب قدرت استوار است.

- «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود / ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای روی زمین نیست مگر آنکه روزی‌اش برعهده خداست و او قرارگاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می‌داند؛ همه در کتابی روشن ثبت است.

- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام / ۱۵۱)؛ و فرزندانان را از [ترس] تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم.

- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (اسراء / ۳۱) و فرزندانان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می‌دهیم.

- «وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت / ۶۰)؛ چه بسیارند جنبندگان که قدرت برعهده گرفتن و حمل رزق خود را ندارند. خدا آنان و شما را روزی می‌دهد و او شنوای داناست.

اگرچه از قرائن آیات و روایات برمی آید که منظور از این روزی مقدر و تضمین شده، همان رزق معیشتی و مورد نیاز برای زندگی مادی انسان است؛ اما رزق - به معنای آنچه در راستای رفع نیازهای انسان مورد استفاده فرد قرار می گیرد - را از یک حیث می توان به رزق مادی (معیشتی) و معنوی تقسیم بندی کرد. انسان برای حرکت به سمت کمال و تعالی، هم نیازهای مادی و معیشتی دارد تا حیات دنیایی خود را سامان دهد و هم نیازهای فراتر که از آن به رزق معنوی یاد می شود. این رزق چه ناظر به نیاز مادی باشد و چه معنوی، از حیث کیفیت دستیابی به آن یا نیازمند «جستجو و طلب رزق» از سوی فرد است یا «بدون جستجو و طلب» به فرد می رسد. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۳۷۹ نهج البلاغه در رابطه با اقسام رزق می فرماید:

«ای فرزند آدم، روزی دو گونه است: یکی آنچه تو آن را می جویی و یکی آنچه او در پی تو است؛ پس اگر به دنبالش نروی، او به دنبال تو می آید. از این رو، نگرانی یک سالت را بر امروز بار مکن که برطرف کردن اندوه هر روز از عمر برایت کافی است. اگر سال آینده از عمرت باشد، خداوند هر روز سهم تو را خواهد داد و اگر آن سال از عمرت نباشد، پس چرا غم زمانی را می خوری که از آن تو نیست؟ هرگز هیچ جوینده ای در کسب روزی تو نمی تواند از تو سبقت بگیرد و بر تو غلبه کند و آنچه برای تو مقدر گشته بی کم و کاست به تو خواهد رسید.»

## ۲- مقدر و مضمون بودن رزق از حلال

یکی از نکات مهم در فهم ابعاد رزق و روزی مقدر آن است که این رزق مقدر و تضمین شده از راه حلال است و نباید کسی تصور کند که اگر چیزی از راه حرام کسب کرده است، روزی مقدر او بوده است. بدون شک خداوند روزی کسی را از راه حرام تضمین نمی کند؛ اما این مسئله در روایات آمده که چنانچه کسی در طلب روزی اش آن را از حرام کسب کند، به همان میزان از روزی حلال مقدرش کم می شود. از پیغمبر اکرم (ص) در تضمین روزی حلال و نسبت آن با کسب حرام نقل شده است:

روح‌الامین این مطلب را در جان من دمید که: هیچ انسانی از دنیا نمی‌رود تا آنکه روزی خود را کامل کند. پس تقوای الهی پیشه کنید و در طلب مال، اعتدال داشته باشید [و خود را به زحمت زیاد نیفکنید]. مبادا دیر آمدن قسمتی از روزی شما موجب شود که آن را با گناهی طلب کنید. هیچ چیزی نزد خداوند متعال جز از طریق طاعت او (حلال) به دست نمی‌آید. خداوند روزی‌ها را تقسیم کرده است؛ پس هر کس که پرده ستر را ببرد و عجله کند و روزی خود را از راه حرام به دست آورد، با این کار از روزی حلال خود کاسته است و در قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۸).

امام صادق (ع) نیز در روایتی به همین مضمون می‌فرماید:

رزق بر دو گونه تقسیم شده است: یکی از این دو به صاحبش می‌رسد، هر چند به دنبال آن نرود و دیگری بستگی به جستجو و طلب فرد دارد. پس آنچه در هر حال (چه طلب کند و چه نکند) برای بنده مقدر شده به وی می‌رسد، هر چند بنده برای آن نکوشد؛ اما آن چه با کوشش برایش مقدر شده، شایسته است بنده آن را از راهش بیابد؛ یعنی راهی که خدای تعالی به حلال قرار داده و نه جز آن. پس اگر آن را از راه حرام طلب کرد و یافت، به پای روزی‌اش نوشته می‌شود؛ در حالی که برای آن مؤاخذه نیز می‌گردد (المقنعه، ۱۴۱۳ ه.ق: ۵۸۶-۵۸۷).

سراغ راه‌های حرام رفتن ممکن است بر ثروت و مال فرد بیفزاید، اما رزق و روزی او - یعنی آن مقدار که مصرف می‌کند و بهره می‌برد - برای او تغییری نمی‌کند و همان میزان مقدر شده است. لازم به ذکر است، اینکه موجودات دارای رزق مقدر و مضمون هستند، لزوماً به این معنا نیست که حتماً به آن می‌رسند؛ بله، رزق مقدر غیر مشروط در هر حال به انسان می‌رسد، اما رزق مقدر مشروط به تلاش، ممکن است با ظلم دیگران و به ناحق از فرد گرفته شود و این که چنین اتفاقی برای فرد بیفتد خود وابسته به شرایط و سنن دیگری است که در مطالب بعد به آن‌ها اشاره خواهد شد.

### ۳- اجمال در طلب؛ شرط لازم بر خورداری از رزق مقدر مشروط

از اقسام رزق مشخص شد که قسمی از رزق وابسته به تلاش و جستجوی رزق است. سؤالی که پیش می‌آید آن است که مطابق آموزه‌های اسلامی، حد و حدود این تلاش برای کسب روزی چقدر است؟ آنچه از آموزه‌های اسلامی برمی‌آید تأکید بر کار و تلاش در حد اعتدال است که آن را تحت عنوان «اجمال در طلب» توصیه کرده‌اند. «اجمال در طلب» به معنای میانه‌روی در کسب و کار به نحوی است که سایر وظایف شخص نسبت به خود و خانواده را مختل نکند؛ به عبارت دیگر، در کسب روزی، انسان نه باید خود را به آب و آتش بزند و نه گوشه‌ای بنشیند و دست روی دست بگذارد. امام حسن (ع) می‌فرمایند:

در طلب روزی، همانند کسی که برای چیره‌شدن [بر حریف] تقللاً می‌کند، تقللاً مکن و درعین حال، به تقدیر نیز آن قدر تکیه مکن که تسلیمش شوی [و کار نکنی]؛ زیرا در جستجوی فضل [و روزی] خدا رفتن از سنت است و اعتدال در طلب روزی از عفت و خویشتن‌داری. نه خویشتن‌داری، روزی را از انسان دور می‌کند و نه حرص، جلب روزی می‌کند؛ همانا رزق و روزی قسمت شده است و حرص زدن، موجب افتادن در ورطه گناهان است (بحارالانوار، ج ۷۸: ۱۰۶).

امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه در توصیه‌های تربیتی به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع)

می‌فرمایند:

بدان که به آرزوی خود نخواهی رسید و از اجل و مهلت خود [که خدا برایت تعیین کرده است] عبور نخواهی کرد و تو نیز در مسیر کسانی هستی که پیش از تو بودند؛ پس در طلب [روزی] با آرامش و مدارا رفتار کن و با اجمال (بی‌حرص و طمع) در پی کسب باش.

#### ۴- سنت‌های سه‌گانه «اصلاح»، «ابتلا» و «استدراج»؛ سنت‌های حاکم بر فقر و غنا

در علل فقر یا غنای معیشتی افراد، بسته به شرایط عملکردی و استعداد نفسانی افراد، سه سنت «اصلاح»، «ابتلا» و «استدراج» امکان وقوع دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (شوری / ۲۷)؛ اگر خدا روزی را بر بندگان خود گسترش دهد، در زمین سرکشی کنند، ولی آنچه را بخواهد، به اندازه‌ای مشخص فرو می‌فرستد. او به بندگان خود آگاه و بصیر است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق و در اشاره به مفهوم «يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» که بیان سنت روزی‌رسانی خداوند به تناسب حال مردم است می‌فرماید (Tabatabaei, 1995: 81-82):

صلاح حال مردم در اندازه ارزاقشان دخالت دارد و این با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که روزه‌روز ثروتمندتر می‌شوند منافات ندارد؛ برای اینکه خدای تعالی غیر از آن سنت سنتی دیگر نیز دارد که بر سنت قبلی حاکم است، و آن عبارت است از سنت آزمایش و امتحان و در این باره فرموده: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»، و همچنین سنت سومی دارد، که آن سنت مکر و استدراج است، که در آن باره می‌فرماید: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ».

پس سنت اصلاح، یعنی اندازه‌گیری رزق، سنتی است ابتدایی که با آن، حال انسان‌ها اصلاح می‌شود، مگر آنکه خداوند بخواهد انسانی را در بوته امتحان قرار دهد که در آن صورت دیگر به طور موقت از سنت قبلی اش چشم می‌پوشد، و در این باره می‌فرماید: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَيَمَحُصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ».

و یا به خاطر کفران نعمت و تغییر آن، سنت قبلی خود را که دادن رزق به مقتضای صلاح حال او بود تغییر دهد که در این صورت سنت دیگری به کار می‌برد، و آن این است که آن قدر رزقش را وسعت می‌دهد تا طغیان کند، و در این باره فرموده:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

براین اساس، رزق و روزی افراد بر اساس مصلحت ایشان تقدیر شده است؛ اما رفتار و اراده انسان شرایطی را پدید می‌آورد که سنن دیگری بر این مصلحت غالب شوند؛ بنابراین، علاوه بر «سنت اصلاح»، «سنت ابتلا» برای آزمایش افراد در فقر و غنا و «سنت استدراج» برای هلاکت تدریجی افرادی که دچار غفلت از خدا و هدایت او شده‌اند و نشانه‌های خدا را تکذیب کرده‌اند، قرار داده شده است.

### ۵- امکان قبض و بسط رزق به نسبت استعداد نفس

پروردگار عالم به صراحت در قرآن کریم تأکید می‌کند که «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup> (فتح / ۲۳) یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا»<sup>۲</sup> (اسراء / ۷۷). خداوند با تأکید بیان می‌دارد که سنن الهی به هیچ وجه «تبدیل و تحویل» نمی‌شود؛ اما «تغییر» در چارچوب این سنت‌ها ممکن است. در بین همین سنن تبدیل‌ناپذیر الهی، یک قاعده برای تغییر نعمت‌ها و مقدرات وجود دارد که از طریق آن می‌توان به کیفیت تغییر پی برد. خداوند متعال در دو آیه به کیفیت تغییر مقدرات الهی اشاره می‌کند:

— «ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَيْكُمْ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال / ۵۳)؛ این به سبب آن است که خدا هیچ وقت بنا ندارد نعمتی را که به قومی عطا کرده تغییر دهد، مگر آنکه آنان در نفسشان تغییر ایجاد کنند.

— «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد / ۱۱)؛ خداوند (سرنوشت) هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه در نفس خودشان تغییر ایجاد کنند.

نوع مواجهه عالم و سنت‌های الهی با هر فرد و قومی متناسب با ظرفیت و استعداد نفس یا نفوس ایشان است. مقدر و مضمون بودن روزی را نیز می‌توان متناسب با ظرفیت نفس فرد معنا کرد؛ به عبارت دیگر رزق و روزی هر نفس، بسته به اندازه ظرف و استعداد نفسانی او تقدیر و تضمین می‌شود. هرچه ظرف بزرگ‌تر باشد، رزق و روزی بیشتر و هرچه ظرف کوچک‌تر باشد، رزق

۱. و هرگز در سنت خدا تغییر (و تبدیل) نخواهی یافت.

۲. و در سنت ما تغییر (و تحول) نخواهی یافت.

وروزی کمتر است.<sup>۱</sup> ظرفیت پذیرش رزق مادی و معیشتی متناسب با نیاز مادی خود فرد و افرادی که روزی‌شان به دست آن فرد است کم و زیاد می‌شود که طبیعتاً محدودیت هم دارد؛ اما رزق معنوی به هر میزان نفس و باطن فرد در جهت رشد، استعداد فراهم کند تا بی‌نهایت ظرفیت افزایش رزق دارد و به هر میزان نفس در جهت منفی حرکت کند، رزق معنوی او هم کاهش خواهد یافت. براین اساس، رزق و روزی در عین مقدر و مضمون بودن، امکان تغییر و کم‌وزیاد شدن هم دارد که در آیات و روایات به برخی از عوامل کاهش و افزایش یا قبض و بسط آن اشاره شده است. همه این عوامل از طریق اثرگذاری بر نفس و استعداد نفسانی، می‌توانند رزق و روزی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

هرگونه تغییر در مقدرات در چارچوب حکمت الهی رقم می‌خورد. امام سجاد علیه السلام در دعایی به خداوند متعال عرضه می‌دارند: «یا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ»؛ ای کسی که هیچ وسیله‌ای دست‌آویزی حکمت تو را تغییر نمی‌دهد (Sahifa al-Sajjadiyyah, 13). به تصریح قرآن کریم خداوند متعال رزق افراد را نیز مبتنی بر حکمت‌هایی به نسبت مصلحت ایشان، قبض و بسط می‌دهد آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بَعِيداً بَصِيراً» (اسراء / ۳۰)؛ همانا پروردگار تو روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می‌کند و برای هر کس بخواهد محدود می‌سازد؛ زیرا او نسبت به بندگانش آگاه و بینا است». به نظر می‌رسد قبض و بسط رزق دو معنا می‌تواند داشته باشد:

۱) تغییر و تحول در کمیت و کیفیت رزق؛

۲) تغییر و تحول در چگونگی (سهولت یا صعوبت) به دست آوردن رزق مشروط یا رسیدن رزق غیر مشروط.

۱. مجدداً باید یادآور شد که رزق و روزی معیشتی مقدر را نباید با کثرت مال در اختیار افراد سنجید؛ چرا که آن مقدار رزق آن فرد است که از طریق حلال می‌تواند استفاده کند؛ لذا بریز و پاش‌ها و اسراف و تبذیرها، رزق فرد نیست و بابت آن مسئول است و مؤاخذه می‌شود. اگر مال و ثروتی بیش از نیاز معیشتی فرد (متنا سب با حد کفایت) به او عطا شده باید آن را در مسیری که دین جایز شمرده برای بهبود او ضاع معیشتی جامعه به صورت الاقرب فالأقرب (ابتدا خود شاونندان و بعد به ترتیب کل جامعه) به کار بگیرد.

هر کدام از تغییر و تحولات فوق از طریق عواملی در آیات و روایات به عبارات مختلف بیان شده است؛ به عنوان مثال تعابیری مانند «ازدیاد و وسعت رزق» ناظر به کمیت، «برکت رزق» ناظر به کیفیت و «دستیابی آسان به رزق» ناظر به چگونگی دستیابی به رزق است.

امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در روایتی به عدم تأثیر رعایت تقوا یا عدم رعایت آن در برخورداری از رزق مقسوم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «فَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ وَهُوَ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَبِي سَيْرَةٍ سَارَهَا مِنْ الدُّنْيَا لَيْسَ تَقْوَى مُتَّقٍ بِرَأْنِدِهِ وَلَا فُجُورٌ فَاجِرٍ بِنَاقِصِهِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَهُ سِتْرٌ وَهُوَ طَائِبُهُ» (بحارالانوار، ج ۲۶: ۲۷۵)؛ پس روزی تقسیم شده است و به فرزند آدم می‌رسد، بی آنکه به نوع رفتار وی در دنیا بستگی داشته باشد. نه تقوای فرد پرهیزگار به روزی وی می‌افزاید و نه بدکاری فرد زشتکار از روزی اش می‌کاهد. همان‌طور که از این روایت هم بر می‌آید، این قسم از رزق، همان رزق مقدر غیرمشروط است که به دنبال افراد می‌آید و نه رزق مقدر مشروط؛ لذا آن قسم از رزق که به اراده و سبک زندگی انسان بستگی دارد و از عوامل مختلفی چون تقوا یا گناه تأثیر می‌پذیرد و امکان قبض و بسط یا کم و زیاد شدنش وجود دارد، رزق مقدر مشروط به تلاش یا رزق اعطا شده از فضل خداست.

در ادامه به دو اصل بنیادین «طهارت نفس» و «فضل الهی» در قبض و بسط رزق اشاره خواهد شد و در بخش‌های آتی، ضمن بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر میزان، کیفیت و چگونگی دستیابی به رزق در آیات و روایات تلاش خواهد شد عوامل غیرمشهود و سنت‌های حاکم بر پدیده فقر شناسایی شود.

## ۶- طهارت نفس؛ شرط دوام و وسعت رزق مقدر

طهارت نفس و تأثیر آن بر دریافت رزق یکی از اساسی‌ترین مباحث در درک عوامل و سازوکارهای حاکم بر فقر و بی‌نیازی است. از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به دو بیان اثر طهارت بر «دوام» و «وسعت» رزق نقل شده است:

«دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَّعَ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ» (کنز العمال، ج ۱۶: ۱۲۹)؛ بر طهارت و پاکی

مداومت کن تا روزی بر تو وسعت پیدا کند.

– «أَدِمِ الطَّهَارَةَ يَدُومَ عَلَيْكَ الرِّزْقَ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳: ۴۱)؛ بر طهارت و پاکی مداوت کن تا روزی بر تو دوام پیدا کند.

در بیانات فوق یکبار اثر دوام طهارت با واژه «دوام» رزق و بار دیگر با واژه «وسعت» رزق آمده است و چه بسا طهارت را بتوان هم شرط دوام و هم شرط وسعت رزق دانست. شرط دوام بودن به این معناست که اگر طهارت آسیب ببیند، نزول رزق با مانع مواجه می‌شود و این معنا با در نظر گرفتن عوامل کاهش رزق از طریق گناهان و آلودگی‌های ظاهری و باطنی در آیات و روایات، معنای صحیحی است.

علامه حسن‌زاده آملی در رساله «وحدت از دیدگاه عارف و حکیم» به اثر مراتب طهارت بر رزق مادی و معنوی اشاره می‌کند و طهارت ظاهری را موجب ازدیاد رزق ظاهری (معیشتی) و طهارت باطنی را موجب ازدیاد رزق باطنی می‌داند. ایشان به صورت خلاصه پیرامون اثر طهارت و ابعاد طهارت ظاهری و اثر آن بر رزق ظاهری (معیشتی) بیان می‌دارند:

در مراتب طهارت گوئیم که طهارت ارواح و قلوب موجب مزید رزق معنوی و قبول عطایای الهیه «علی ما ینبغی» است و «یرزقه من حیث لایحتسب» و طهارت صورت به حکم تبعیت عالم صور مر ارواح را در وجود و احکام مستلزم مزید رزق حسی است؛ لذا هم طهارت ظاهره باید و هم طهارت باطنه. اما طهارت ظاهره، طهارت بدن از ادناس و قاذورات و طهارت حواس از اطلاق و رها کردن آن‌ها در ادراکاتی که نیاز بدان نیست. طهارت اعضاء از اطلاق و رها کردن آن‌ها در تصرفات خارج از دایره اعتدال که به حسب شرع و عقل معلوم است.... طهارت ظاهره در مراتب قوای عملیه نفسه مرتبه تجلیه است که نفس، قوی و اعضای بدن را به مراقبت کامله در تحت انقیاد و اطاعت احکام شرع و نوامیس الهیه وارد نموده که اطاعت اوامر و اجتناب از منهیات شرعیه را به نحو اکمل نماید تا پاکی صوری و طهارت ظاهریه در بدن نمایان شود و در نفس هم رفته‌رفته خوی انقیاد و ملکه تسلیم برای اراده حق متحقق گردد و برای حصول این مرتبه علم فقه بر طبق طریقه حقه جعفریه کافی و به نحو اکمل عهده‌دار این امر است. (حسن‌زاده آملی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۴۲-۴۳).

مطابق این بیان، همان‌طور که در نظام عالم، بین عالم ظاهر با سایر عوالم وجود ارتباط برقرار است و هر دو بر هم اثر گذارند<sup>۱</sup>، طهارت ظاهر و طهارت باطن نیز بر هم اثر گذارند. اینکه در روایات، دوام طهارت شرط دوام رزق آمده از این جهت می‌تواند باشد که حفظ طهارت کاری می‌کند که رزق مقدر فرد بدون دردسر و صرفاً با همان «اجمال در طلب» و در حد کفایت نیازهای خود و عیالش به او برسد تا مجبور به دراز کردن دست نیاز به دیگران نشود؛ اما اگر آلودگی جای طهارت را در مراتب مختلف آن گرفت، از آن به بعد فرد باید برای به دست آوردن رزق مشروط، خود را به زحمت بیش از حد اندازد. به عبارت دیگر، برای برخوردار شدن از رزق مقدر باید مقتضی موجود و مانع مفقود باشد؛ بر همین اساس، طهارت ظاهری و باطنی با رفع موانع دریافت رزق - از جمله مطلق گناه و نجاسات که در ادامه به عنوان عوامل محدود شدن رزق ذکر می‌شود - از یک سو و با ایجاد اقتضای دریافت سهل و آسان رزق از سوی دیگر، زمینه دریافت رزق متناسب با نیاز را فراهم می‌آورد.

## ۷- فضل الهی؛ عامل برخورداری فراتر از رزق مقدر

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رزق و ازدیاد آن، فضل الهی است. علاوه بر عامل طهارت در کسب و ازدیاد رزق، «فضل الهی» یکی دیگر از عواملی است که با فراهم شدن استعداد و شرایطی در نفس، شامل افراد می‌شود. راغب اصفهانی (۱۴۰۴ ه.ق) واژه «فضل» را زیاده از حد معنا می‌کند و این زیادی در معنای خوب و مورد ستایش آن به کار می‌رود و مذموم نیست. به هر عطیه‌ی داوطلبانه هم فضل گفته می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به فضلی از جانب خود - که نوعی رحمت خاصه الهی بر بندگان محسوب می‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء / ۳۲)؛ و از فضل [و رحمت خاصه] الهی طلب کنید.

رزق تفضلی «فراتر از رزق مقدر مقسوم است. امام صادق علیه السلام در خصوص این قسم از ارزاق در نظام عالم بیان می‌دارند: خداوند روزی بندگان را تقسیم کرد و مقدار زیادی از آن را بدون تقسیم نزد خود باقی گذاشت، خداوند متعال می‌فرماید: از خداوند، از فضلش درخواست کنید (مستدرک الوسائل، ج ۵: ۲۵۱).

۱. این ارتباط مانند ارتباط جسم و روح است که گاهی ضعف جسم بر حال روحی فرد اثر می‌گذارد و گاه ضعف روحی بر جسم فراتر می‌گذارد و آن را ضعیف می‌کند.

امام باقر (ع) نیز در روایتی به «رزق تفضلی» به عنوان رزقی فراتر از رزق مقدر اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: رزق‌ها تقدیر و تقسیم شده است و برای خداوند فضل و زیاده‌ای وجود دارد که از سپیده‌دم تا طلوع فجر آن را تقسیم می‌کند و این امر ناظر به این بیان الهی است که «از فضل خداوند درخواست کنید» (نساء / ۳۲) (بحارالانوار، ج ۵: ۱۴۷).

ممکن است تصور شود بین رزق تفضلی و رزق مقدر تفاوتی وجود ندارد؛ اما باید توجه داشت که این دو مفهوم هرچند از برخی عوامل مشترک (مثلاً دعا، تقوا، و عمل صالح) متأثر می‌شوند و هر دو با شرایط نفس و عمل انسان پیوند می‌یابند، اما از منظر مقوله شناختی و حقوقی متفاوت‌اند. «رزق مقدر» مشروط به طلب» سهمی است که از پیش برای آدمی مقدر شده، اما تحقق آن متوقف بر انجام دادن تلاش مشروع و فراهم کردن شرایط از سوی صاحب حق است؛ به عبارت دیگر، تلاش و اجمال در طلب، شرط ظهور آن سهم مقدر است و در غیاب آن ممکن است محقق نشود یا از راه حرام نقصان یابد. در مقابل «رزق تفضلی» عطیه‌ای است بیرون از نص رزق مقسوم که خدای کریم به اختیار و از فضل خود می‌بخشد؛ این بخشش می‌تواند ناشی از شرایطی چون ایمان و عمل صالح باشد، اما ضامن و حقوقی برای آن ایجاد نمی‌کند و ممکن است بدون تلاش مسبوق نیز اعطا شود. از منظر عملی این تمایز اهمیت دارد: اگر این دو یکی پنداشته شوند، هم انگیزه تلاش مشروع تضعیف می‌شود چون همه چیز را فضل دانسته و تکاپو را کم‌اهمیت می‌شماریم و هم توقع بخشش صرف جای مطالبه حق مشروط را می‌گیرد؛ بنابراین نگاه داشتن مرز میان «حق مشروط» مقدر» و «بخشش اختیاری فضل» هم منطق دینی آموزنده و هم دستورالعمل اخلاقی و سیاستی روشنی برای مواجهه با فقر فراهم می‌آورد.

همان‌طور که اشاره شد، فضل الهی در یک رابطه دوطرفه با اصل «طهارت» نفس، یکی دیگر از سازوکارهای برخورداری از رزق است که در صورت وجود عوامل جلب‌کننده رحمت خاصه الهی - از جمله: ایمان و عمل صالح (انجام کار نیک)، تقوا (پرهیز از اعمال زشت) و دعا - امکان بسط رزق را برای افراد فراهم می‌آورد. در ادامه به مؤلفه‌های مؤثر بر فقر و بی‌نیازی اشاره خواهد شد که هر کدام با فراهم آوردن شرایطی در نفس افراد و در چارچوب سنت‌های سه‌گانه «اصلاح»، «ابتلا» و «استدراج» شرایط فقر و بی‌نیازی افراد را رقم می‌زنند.

## مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد فقر

در بیان آیات و روایات مصادیق و مؤلفه‌های زیادی در رفع فقر بیان شده است که ربط و نسبت برخی از این مصادیق با فقر واضح‌تر و برخی مبهم است. در اینجا تلاش بر آن است که از میان مصادیق مختلف بیان شده در آیات و روایات، آن دسته از مؤلفه‌هایی که در فهم و کشف یک چارچوب تحلیلی ناظر به ابعاد مؤثر بر فقر به ما کمک می‌کنند مورد اشاره قرار گیرد. این مؤلفه‌ها به صورت خلاصه در جدول زیر ذکر شده است:

جدول ۲. مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری فقر

مؤلفه مربوطه	مؤیدات قرآنی و روایی
کسالت و تنبلی	امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در نسبت بین تنبلی و فقر می‌فرماید: هنگامی که اشیا با یکدیگر ازدواج کردند، تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کردند و از آنان فقر متولد شد (وسائل‌الشیعه، ج ۱۷: ۶۰).
سوء تدبیر در به‌کارگیری اموال	«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»؛ اموال خود را که خداوند آن را مایه قوام و پایداری زندگی شما قرار داده به دست سفیهان نسپارید (نساء / ۵). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: برنامه‌ریزی نیکو مال اندک را رشد می‌دهد و برنامه‌ریزی بد، مال فراوان را نابود می‌کند (غررالاحکم، ج ۱: ۳۴۵).
کفران نعمت	«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل / ۱۱۲)؛ و خدا شهری را مثل زده است که در امن و امان بود [و] روزی از هر سوء فراوان می‌رسید، پس [ساکتانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم طعم گرسنگی و ترس را به [مردم] آن چشاند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «سَبَبُ زَوَالِ النِّعَمِ الْكُفْرَانُ» (غررالاحکم، ج ۱: ۳۹۵)؛ عامل زوال نعمت‌ها کفران نعمت است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «سَبَبُ الْمَزِيدِ الشُّكْرُ» (غررالاحکم، ج ۱: ۳۹۶)؛ عامل ازدیاد [نعمت‌ها] شکر است.
تظاهر به فقر و درخواست از دیگران	پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ» (بحارالانوار، ج ۷۶: ۳۱۶)؛ کسی که دم از نداری زند، فقیر شود. امام باقر علیه‌السلام آمده است: «أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَهُوَ حَقٌّ مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَي نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ بَابَ فَقْرٍ» (بحارالانوار، ج ۹۶: ۱۵۸)؛ قسم به خداوند متعال و این حق است که هیچ‌کس نیست که بر نفس خود در سوال و درخواست از دیگران را بگشاید مگر آنکه خداوند دری از فقر بر او باز کند.

مؤلفه مربوطه	مؤیدات قرآنی و روایی
عدم رعایت نظافت محیط و بهداشت جسم	امیرالمؤمنین علی علیه السلام به تأثیر موارد زیر در فقر اشاره می‌کنند؛ این موارد عبارت‌اند از: رهاکردن (پاک‌نکردن) تار عنکبوت در خانه، در حمام بول کردن، به حال جنابت غذا خوردن، با چوب گز خلال کردن، ایستاده شانه زدن، گذاشتن زیاله در خانه (الخصال، ج ۴: ۵۰۴-۵۰۵).
گناه	امیرالمؤمنین علی علیه السلام از گناهان دوری کنید که هیچ بلایی شدیدتر و زشت‌تر از آن نیست و رزق بازداشته نمی‌شود، مگر به دلیل انجام گناهی، حتی در حد ایجاد خراش و جراحت و ناراحتی در دیگران؛ چرا که خداوند فرمود: هر مصیبتی که به شما رسد، به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند (مکارم‌الاخلاق، ج ۱: ۱۴۷). برخی از گناهان در روایات به صورت خاص مورد اشاره قرار گرفته‌اند از جمله: نیت گناه (بحارالانوار، ج ۷۳: ۳۵۸)، اسراف و عدم میانه‌روی در مصرف (غررالحکم، ج ۱: ۳۹۶)، ظلم به دیگران (من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۱۵)، عدم پرداخت زکات (بحارالانوار، ج ۶۹: ۳۹۳)، بداخلاقی (غررالحکم، ج ۱: ۵۹۲)، زنا بحار الأنوار، ج ۷۹: ۲۲)، خیانت و دروغ‌گویی (بحارالانوار، ج ۷۸: ۳۲۷).

### مؤلفه‌های مؤثر در رفع فقر

مطابق با آنچه پیش‌ازاین در خصوص عوامل ایجاد فقر ذکر شد، تقریباً عوامل رفع فقر هم مشخص می‌شود. عوامل رفع فقر یا از طریق رفع مانع در مسیر دریافت رزق یا ایجاد مقتضی در بهبود کمی و کیفی دریافت رزق به رفع فقر خواهند انجامید. اگر چه در روایات مصادیق ریزودرشت فراوانی در این زمینه دیده می‌شود، در این بین سعی بر آن است که به عواملی اشاره شود که به نظر سهم اساسی در بین مصادیق مختلف رفع فقر دارند. این عوامل به طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. مؤلفه‌های مؤثر بر رفع فقر

مؤلفه مربوطه	مؤیدات قرآنی و روایی
تقوا	«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف / ۹۶)؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً [در] برکاتی از آسمان و زمین را برایشان می‌گشودیم.
استغفار	«اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ

عوامل غیرمشهود در پیدایش و رفع فقر با محوریت طهارت و استعداد نفسانی

مؤلفه مربوطه	مؤیدات قرآنی و روایی
	<p>يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح / ۱۰-۱۲)؛ از پروردگار خود آموزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است؛ [به این سبب] از آسمان بر شما پیوسته [باران رحمت و برکت] می‌باراند و شما را با مال بسیار و فرزندان متعدد یاری رساند و باغ‌های حرم و نه‌های جاری به شما عطا فرماید.</p> <p>رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلَيْسَتْغْفِرِ اللَّهُ» (بحارالانوار، ج ۷۱: ۴۵)؛ کسی که روزی‌اش به‌کندی به دست می‌آید، باید استغفار کند و از خدا آموزش طلبد.</p>
نیت خوب	<p>امام صادق علیه‌السلام: «مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَيْدًا فِي رِزْقِهِ» (الکافی، ج ۲: ۱۰۵)؛ هر که خوش‌نیت باشد، روزی‌اش زیاد شود.</p>
عدالت	<p>امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا غَدِلَ بَيْنَهُمْ وَ نَزَلَ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بُرْكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ» (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵: ۱۵۳)؛ اگر عدل‌وداد در بین مردم رواج یابد، بی‌نیاز می‌شوند؛ به اذن خداوند آسمان روزی‌اش را فرود می‌آورد و زمین برکاتش را بیرون می‌ریزد.</p>
بیداری و ذکر خدا در بین‌الطلوعین	<p>حسین بن مسلم نقل می‌کند که به امام باقر علیه‌السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم. آن‌ها می‌گویند که خواب بعد از سپیده دم مکروه است؛ چراکه ارزاق در آن زمان تقسیم می‌شود. پس ایشان فرمودند: رزق‌ها تقدیر و تقسیم شده است و برای خداوند فضل و زیاده‌ای وجود دارد که از سپیده‌دم تا طلوع فجر آن را تقسیم می‌کند و این امر ناظر به این بیان الهی است که «از فضل خداوند درخواست کنید» (نساء / ۳۲). سپس فرمودند: ذکر خداوند بعد از طلوع فجر در طلب روزی رساننده‌تر از سرگردانی در زمین است (بحارالانوار، ج ۵: ۱۴۷).</p>
صدقه و قرض‌الحسنه	<p>امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۷)؛ رزق را با صدقه دادن فرود بیاورید.</p> <p>«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره / ۲۴۵)؛ چه کسی هست که به خداوند قرض نیکو دهد تا برایش چندین برابر افزایش دهد؟ و این خداست که [معیشت را] تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و به سوی او بازگردانده می‌شود.</p>
راست‌گویی و امانت‌داری	<p>امام صادق علیه‌السلام: «عَلَيْكُمْ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ الرِّزْقِ» (بحارالانوار، ج ۱۰۳: ۹۲)؛ راستگو باشید و امانت را به صاحبش چه نیکوکار بوده و چه گناهکار بازگردانید؛ زیرا این دو کار کلید روزی است.</p>

مؤلفه مربوطه	مؤیدات قرآنی و روایی
اخلاق پسندیده	امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ» (بحارالانوار، ج ۷۷: ۲۸۸)؛ گنج‌های روزی در خوش اخلاقی نهفته است.
صله‌رحم	امام صادق علیه السلام: «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ» (الکافی، ج ۲: ۱۵۲)؛ صله رحم، خلق و خوی را نیکو، دست را بخشنده، جان را پاکیزه و روزی را زیاد می‌کند و اجل را به تأخیر می‌اندازد.
ازدواج و فرزندآوری	«وَ أَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَ اصْلِحْ جَنَاحَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور / ۳۲)؛ و افراد بی‌همسر از خودتان (اعم از زن و مرد) و غلامان و کنیزان صالح خود را ازدواج دهید؛ اگر فقیر باشند خداوند از فضلش آنان را بی‌نیاز می‌کند و خداوند گشایش‌دهنده‌ای داناست. «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ» (اسراء / ۳۱) و فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می‌دهیم.

### جمع‌بندی چارچوب تحلیلی عوامل غیرمشهود مؤثر بر فقر

منظور از عوامل غیرمشهود مؤثر بر فقر، سنن و قواعد حاکم بر ایجاد و رفع فقر است. این قواعد، بیان‌کننده کیفیت اثرگذاری عوامل مختلف درونی (معرفتی و غیرمعرفتی) و بیرونی (مشهود و غیرمشهود) بر فرد است؛ بنابراین، وقتی کیفیت اثرگذاری عوامل مختلف به صورت قاعده حاکم بر عالم بیان شود، بیانگر وجود یک عامل نام‌شهود در عالم است که در این حوزه اثرگذار است؛ هر چند با حواس پنج‌گانه قابل ادراک نیست. مطابق آنچه از اصول و مبانی و مؤلفه‌های مؤثر بر رزق و فقر مورد بررسی قرار گرفت می‌توان رزق و عوامل آن را در دو دسته‌بندی کلی «رزق مقدر» و «رزق تفضلی» مورد بررسی قرار داد. رزق مقدر خود به دو قسم «رزق مقدر غیرمشروط» و «رزق مقدر مشروط به طلب» تقسیم می‌شود. رزق غیرمشروط، رزقی است که خداوند متناسب با رحمت عامه خود برای همه موجودات متناسب با نیاز حیاتی ایشان در نظر گرفته است و دریافت این رزق به هیچ عاملی جز حیات منوط نیست؛ اما «رزق مقدر مشروط به طلب» را افراد باید با کار و تلاش در حد اعتدال به دست آورند و تلاش بیش از حد اعتدال در آن مورد نکوهش قرار گرفته است و مطابق بیانات مختلف، چیزی بر رزق مقدر نخواهد افزود. علاوه بر رزق مقدر و اقسام آن،

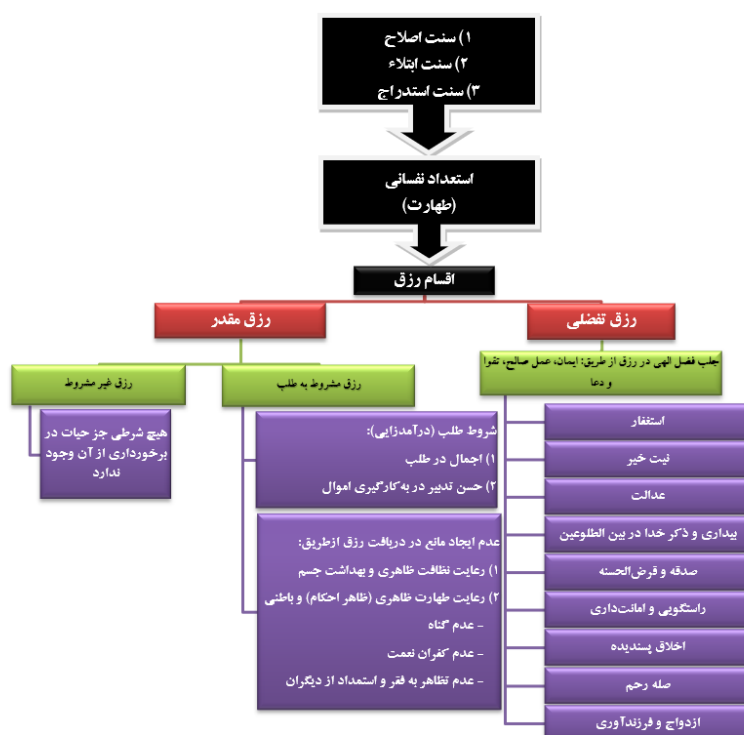
خداوند از فضل خود رزق‌های دیگری نیز قرار داده که افراد با شرایطی از جمله، ایمان، عمل صالح (انجام کارهای نیک)، تقوا (ترک محرمات) و دعا می‌توانند از این تفضل الهی بهره‌مند شوند.

در کنار اقسام رزق و شرایط بهره‌مندی از آن، عنصر اساسی مؤثر در کمیت و کیفیت دریافت رزق و به تبع آن فقر و بی‌نیازی، «استعداد نفسانی» باتوجه‌به مراتب طهارت نفس است. طهارت ظاهری و باطنی نقشی اساسی در میزان و کیفیت دستیابی به رزق افراد دارد. رزق مادی و ظاهری را به مراتب طهارت ظاهری منوط می‌کنند و میزان مضمون آن به حد نیاز فرد و عائله او وابسته است. طهارت ظاهری و مراتب آن ضامن رفع نیاز معیشتی در حد نیاز حیاتی (رفع فقر مطلق) بوده و بلکه بالاتر از آن از طریق وسعت رزق به نیازهای تکمیلی (رفع فقر نسبی و بی‌نیازی) هم سرایت می‌کند تا حد کفایت نیازهای فرد و عائله‌اش تأمین شود. بخشی از این رزق مکفی خودبه‌خود می‌آید و بخش دیگر وابسته به طلب است که توصیه به اجمال در طلب شده است؛ بنابراین، «طهارت» عامل اصلی قبض و بسط رزق و معیشت بوده و در چارچوب سنن حاکم بر آن شامل سنت‌های «اصلاح»، «ابتلاء» و «استدراج» وضعیت معیشتی فرد ناظر به فقر یا بی‌نیازی را مشخص می‌کند.

لازم به ذکر است اگرچه طهارت و استعداد نفسانی به‌عنوان عوامل نامشهود محوری در قبض و بسط رزق نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، اما این نقش صرفاً در سطح فرد محقق نمی‌شود؛ بلکه در بستر سنن الهی «اصلاح»، «ابتلاء» و «استدراج» و نیز در تعامل با مقتضی‌ها و موانع نهادی و اجتماعی (نابرابری در توزیع منابع، فقدان دسترسی به آموزش و خدمات عمومی، تبعیض، فساد و ضعف نظام‌های حمایتی) عمل می‌کنند. فقر محصول برهم‌کنش ظرفیت‌های نفسانی و شرایط ساختاری است. ممکن است حتی انسان پاک‌سرشتی با استعداد نفسانی مناسب به‌دلیل آزمون‌های الهی یا موانع نهادی موقتاً یا به‌طور مستمر دچار تنگدستی شود و از سوی دیگر، ساختارهای اجتماعی ظالمانه می‌توانند مانع تحقق سهم مقرر مشروط گردند.

باید تأکید کرد که گرچه این پژوهش عمدتاً بر عوامل فردی — نامشهود تمرکز داشته و آثاری چون گناه و تقوا را در سطح فردی بررسی کرده است، همان‌عوامل در نظام اجتماعی نیز عمل می‌کنند؛ یعنی گناه و ظلم اجتماعی می‌تواند زمینه‌ی محرومیت گروهی را فراهم آورد حتی برای کسانی که از نظر فردی شرایط لازم را دارند. با این وجود، منطبق سنت‌های الهی هم‌چنان قاعده‌مند است. نتیجه آنکه اگر استعداد نفسانی فراهم باشد و مانع نهادی جدی وجود نداشته باشد، رعایت

مقتضیات طهارت و عمل صالح در اکثریت قریب به اتفاق موارد به وسعت رزق و رفع فقر می‌انجامد؛ موارد استثنایی (مثلاً به‌عنوان حکمت یا ابتلای ویژه) نادرند و غالباً موقتی‌اند؛ لذا این استثناها نه قاعده‌ی کلان را نقض می‌کنند و نه دلالت بر بی‌اثر بودن راهکارهای دینی — تربیتی دارند.



## Translated References to English

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

Sahifa al-Sajjadiyyah

Ibn al-Hasan ibn Duraid al-Azdi, Abu Bakr Muhammad (1987 AD), Jamrah Al-Legha, Beirut: Dar-e-Alam Lal-Mulaiyin, Edition: Al-Awli. [In Persian]

Ibn Babuyyah (Sheikh Saduq), Muhammad ibn Ali (1983), Al-Khasal, Qom: Jamia al-Modaresin, first edition. [In Persian]

Ibn Babuyyah (Sheikh Saduq), Muhammad ibn Ali (1985), The Reward of Actions and the Punishment of Actions, Qom: Dar al-Sharif al-Radi Publishing House, second edition. [In Persian]

Ibn Babuyyah (Sheikh Saduq), Muhammad ibn Ali (1992), The One Who Is Not Present at the Faqih, Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Jamia al-Modaresin of the Qom Seminary, second edition. [In Persian]

Ibn Manzur al-Ansari al-Ruwaifi al-Afriqi, Muhammad ibn Makram ibn Ali (1993), Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sader, third edition. [In Persian]

Abdallahi Abed, Samad (1390), Spiritual Factors of Poverty and Poverty Alleviation from the Perspective of the Quran and Hadith, Fourth National Conference on the Holy Quran, Safina al-Najah Asr, pp. 432-449. [In Persian]

Al-Jawhari al-Farabi, Abu Nasr Ismail bin Hammad (1407 A.H.), Sahaha Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiyyah, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin, 4th edition. [In Persian]

Al-Hurrah al-Amili, Muhammad bin Al-Hassan (-), Al-Wasal al-Shi'a, Al-Muhaqq: Est Al-Bayt (peace be upon them) for the revival of heritage, Qom: Al-Bayt (peace be upon them) for the revival of heritage. [In Persian]

Al-Tabarsi, Razi al-Din Abinasr al-Hasan ibn al-Fadl (---), Makar al-Akhlaq, Al-Alami Publishing House. [In Persian]

Al-Muttaqi Al-Hindi, Ala'al-Din Ali bin Husam-Din (---), Kanz al-Ummal fi Sunan Al-Aqwal and Al-Afal, Al-Risalah Foundation. [In Persian]

Al-Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403 A.H.), Bihar al-Anwar, Publisher: Al-Wafa Foundation, Edition: 2. [In Persian]

Al-Nuri al-Tabarsi, Hossein (---), Mostadrak al-Wasail, Qom: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Heritage, Volume 13. [In Persian]

Asgari, Mohammad Mahdi and Ghafurzadeh, Hossein (2009), Studying the concept of poverty from the perspective of Quran and hadiths of the Holy Imams (a.s.), Bi-Quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, No. 5, pp. 89-123. [In Persian]

Atrat-Doost, Muhammad; Nasiri, Omid and Ghiyati, Hadi (2019), Network of themes of factors causing poverty in Islamic society from the perspective of Quranic verses and hadiths of the Ahlul Bayt (a.s.), Bi-Quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, No. 25, pp. 159-187. [In Persian]

Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH), Tahdhib al-Lughah, Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arabi. [In Persian]

Bin Faris bin Zakaria al-Qazwini al-Razi, Ahmad (1399 AH - 1979 AD), Mujam Maqays al-Legha, researcher: Abdus Salam Muhammad Haroun, publisher: Dar al-Fikr. [In Persian]

Bahrami Shahyad, Bahram (2013), causes and consequences of poverty and ways to combat it from the perspective of verses and traditions, master's thesis, Usul al-Din Faculty. [In Persian]

Chambers, Robert (1983), Rural development: Putting the last first, Harlow: Prentice Hall. [In Persian]

- General Directorate of Khorasan Razavi Propaganda Organization (1380), Phenomenology of Poverty and Development (four-volume series), Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
- Faizpour, M.A., Kosha, M. (2014), Period of poverty and factors affecting it: evidence from the period of poverty of the beneficiaries of Imam Khomeini's Relief Committee, Selected Papers of the First Management Conference. [In Persian]
- Kulani, Mohammad bin Yaqoob (1407 AH), Al-Kafi, Tehran: Daral Kitab Al-Islamiyah. [In Persian]
- Mohammadi Roimhari, Mohammad (1386), Mizan al-Hikmah, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]
- Hadavi, Asghar; Khavaninzadeh, Mohammad Ali and Dehghani, Roshan (2017), Semantic study of the use of the concept of "Razq" in the Holy Quran, Bi-Quarterly Journal of Quranic Linguistic Studies, Volume 6, Issue 2, pp. 103-118. [In Persian]
- Hassanzadeh Amoli, Hassan (1362), The Treatise on Unity from the Perspective of a Sage and a Wise Man, Fajr Publications, First Edition. [In Persian]
- Hussein bin Muhammad bin Mufaddal (1404 AH), Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Publisher: Daftar Nashr al-Kitab, Second Edition. [In Persian]
- Hussein, Seyyed Hadi (1381), Poverty and Development in Religious Sources, Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
- Heli, Hassan bin Yusuf (1430), Kashf al-Murad fi Sharh Tadzrid al-I'tiqad, Research and Commentary: Hassanzadeh Amoli, Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian]
- OPHI (2020), Charting pathways out of multidimensional poverty: Achieving the SDGs, Oxford University Press. [In Persian]
- Rashidi, Alireza; Shojaei, Ruqyah; Bastani, Ali Asghar and Rashidi, Mohammad (2014), Individual Causes of Poverty from the Perspective of the Quran and Hadith, Year 8, Issue 80, pp. 56-73. [In Persian]
- Sadr, S.M.B. (2014). Our Economy, Vol. 2, Translated by Seyyed Abolghasem Hosseini Zharfa, Qom: Shahid Sadr Specialized Scientific Research Institute (Dar al-Sadr Publications), First Edition. [In Persian]
- Seyyedifard, Seyyed Ali (2021), Divine Traditions and Sensitivity to Empirical Data: Conceptual Considerations and Methodological Recommendations, Quarterly Journal of Fundamental Research in the Humanities, Volume 7, Issue 4, pp. 11-26. [In Persian]
- Seyyedifard, S.A. (2022), Deep Exploration: A Method for Understanding Social Issues, Qom: Minhaj-e-Alam. [In Persian]
- Sen, A. (1999), Development As Freedom, Oxford University Press. [In Persian]
- Shojaei, M. (2010). Asmaa Hosni, Tehran: Soroush (Islamic Republic of Iran Broadcasting), 8th Edition. [In Persian]
- Tabatabaei, M.H. (1995), Translation of Tafsir al-Mizan, Qom: Qom Seminary Teachers' Association (Islamic Publishing House), Volume 18, Issue 5. [In Persian]
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410 A.H.), Gharral al-Hakim and Darr al-Kalam, researcher/corrector: Seyyed Mehdi Rajaei, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, second edition. [In Persian]
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1365), Tahdhib al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah, Fourth Edition. [In Persian]
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1406 AH), Al-Iqtisad fima yttaqleh bi-I'tiqad, Beirut: Dar al-Adwaa. [In Persian]
- World Bank (2025), June 2025 update to global poverty lines, World Bank, Available at: <https://www.worldbank.org/en/news/factsheet/2025/06/05/june-2025-update-to-global-poverty-lines>. [In Persian]

Website of the Center for Computer Research on Islamic Sciences, Jame' al-Ahadith Collection at: <https://hadith.inoor.ir>. [In Persian]

World Bank (2025), June 2025 update to global poverty lines, World Bank, Available at: <https://www.worldbank.org/en/news/factsheet/2025/06/05/june-2025-update-to-global-poverty-lines>. [In Persian]

The website of the Madrasa al-Fiqah Library at: <https://lib.eshia.ir>

The website of the Islamic Encyclopedia at: <https://wiki.ahlolbait.com>

The website of the Shia Hadith Library at: <https://www.hadithlib.com>

